

مقاله اصلی

مدل یابی رابطه کنترل گری و تمایز یافتگی با خشونت همسران از طریق میانجی گری تنیدگی روانشناختی در زوجین مراجعه کننده در مراکز مشاوره تبریز

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۲

خلاصه

مقدمه: مطالعه حاضر با هدف تعیین برازش مدل رابطه کنترل گری و تمایز یافتگی با خشونت همسران با میانجی گری تنیدگی روانشناختی در زوجین مراجعه کننده در مراکز مشاوره تبریز انجام شد. روش پژوهش از نوع توصیفی همبستگی بود.

روش کار: جامعه آماری این پژوهش شامل همه همسران مراجعه کننده به اورژانس اجتماعی شهر تبریز در نیمه اول سال ۱۴۰۲ به تعداد ۳۰۵ نفر بودند. با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده و هدفمند و بر اساس ملاک های ورود و خروج ۲۴۰ نفر انتخاب شدند ($n=240$). ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه خشونت نسبت به زنان حاج یحیی (۱۹۹۹)، مقیاس تجدیدنظر شده رفتارهای کنترل گری گراهام-کاون و آرچر (۲۰۰۵)، فهرست تمایز یافتگی خود اسکون و فریدلندر (۱۹۹۸) و پرسشنامه تنیدگی روانشناختی سیدخراسانی (۱۳۷۷) بود.

نتایج: تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد کنترل گری بر خشونت همسران اثر مستقیم دارد و از لحاظ آماری رابطه محاسبه شده مثبت و معنادار است ($\beta=0.274, p<0.05$)؛ تمایز یافتگی بر خشونت همسران اثر مستقیم دارد و از لحاظ آماری رابطه محاسبه شده منفی و معنادار است ($p<0.05$)؛ $\beta=-0.421$. یافته های مدل یابی معادلات ساختاری نشان داد کنترل گری بر خشونت همسران از طریق میانجی گری تنیدگی روانشناختی تأثیر غیرمستقیم و مثبت دارد ($\beta=0.496, p<0.05$) و تمایز یافتگی بر خشونت همسران از طریق میانجی گری تنیدگی روانشناختی تأثیر غیرمستقیم و منفی دارد ($\beta=-0.611, p<0.05$). از این رو، مدل رابطه کنترل گری و تمایز یافتگی با خشونت همسران با میانجی گری تنیدگی روانشناختی در زوجین مراجعه کننده در مراکز مشاوره تبریز با داده های تجربی مطابقت دارد.

نتیجه گیری: نتایج این می تواند برای متخصصان بالینی در افزایش مهرورزی و درک همدلانه و کاهش خشونت همسران کمک کننده باشد و با در نظر گرفتن نقش عوامل پیش بین در این بیماران، درمان های کارآمدی را برنامه ریزی کنند.

کلمات کلیدی: کنترل گری، تمایز یافتگی، خشونت همسران، تنیدگی روانشناختی

پی نوشت: این مطالعه فاقد تضاد منافع می باشد.

فهیمه ترابی صوفیانی^۱

معصومه آزموده^{۲*}

رضا عبدی^۳

امیر پناه علی^۴

جواد مصراবাদ^۵

^۱ دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

^۲ استادیار، گروه روانشناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳ دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

^۴ استادیار، گروه روانشناسی و مشاوره، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

^۵ استاد، گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

نویسنده مسئول: معصومه آزموده، استادیار، گروه روانشناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

Email: Mas_azemod@yahoo.com

مقدمه

رابطه زوجین از دو نفر تشکیل می‌شود که توجه به رشد فردی هریک از همسران در موفقیت آن امری حیاتی به شمار می‌آید (باکوم^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). از این رو بروز مشکلات روان‌شناختی برای هریک از زوجین (فارغ از جنسیت آن‌ها) می‌تواند علاوه بر این که رابطه زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد، کل نظام خانواده را با خطر سازگاری، مشکلات روان‌شناختی و یا فروپاشی ساختاری مواجه سازد.

بررسی‌ها نشان می‌دهند که مسائلی همچون خشونت^۲ بر جنبه‌های مختلف روابط همسران و کیفیت زندگی زناشویی تأثیر گذار هستند (نورحیاتی^۳ و همکاران، ۲۰۱۹). خشونت از جمله عوامل بین فردی و مؤثر بر رضایت از روابط افراد محسوب می‌شود (هامت^۴ و همکاران، ۲۰۲۱). براساس تعریف سازمان بهداشت جهانی^۵ (۲۰۱۹)، خشونت علیه شریک زندگی رفتارهایی در روابط صمیمانه است که منجر به آسیب جسمانی و روانشناختی شده و می‌تواند آزار روان‌شناختی، خشونت جسمانی و رفتارهای کنترل‌گرایی را نیز دربرگیرد. دیگر اشکال خشونت می‌تواند به صورت آزار جنسی، آزار عاطفی، ارباب، تعقیب کردن و محرومیت‌های اقتصادی باشد و یا ارتباطات کلامی و غیرکلامی آزاردهنده را شامل شود (بریدینگ^۶ و همکاران، ۲۰۱۵). نکته مهم این است که تمامی اشکال خشونت خانگی دارای یک هدف بوده و آن کنترل قربانی و حفظ و تداوم این کنترل است (اکا و راکش کومار^۷، ۲۰۱۶). طبق تحقیقات حدوداً ۵۷ درصد از زنان و ۵۰ درصد از مردان مورد خشونت علیه شریک زندگی قرار می‌گیرند که در این میان، خشونت روان‌شناختی علیه شریک زندگی بالاترین میزان را دارد (جود^۸ و همکاران، ۲۰۲۳). در ایران نیز خشونت خانگی از نوع

هیجانی و آزاردهنده با حدود ۶۴ درصد بیشترین آمار را به خود اختصاص می‌دهد (صفاری و همکاران، ۲۰۱۷). قدرت و کنترل‌گری اجبارگونه^۹ انگیزاننده‌های اصلی رفتارهای آزارگراییانه هستند (اسکات^{۱۰}، ۲۰۱۸؛ هامبرگر^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۷). کنترل‌گری اجبارگونه به صورت استفاده دائمی افراد از راهبردهایی برای کنترل همسر یا شریک زندگی و محدود کردن آزادی‌های وی تعریف می‌شود (هاردستی^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۵). در این شرایط کنترل و اجبار همزمان رخ داده، موقعیتی از عدم آزادی و تجربه‌ای شبیه به در تله افتادن^{۱۳} برای فرد ایجاد می‌شود (استارک و هستر^{۱۴}، ۲۰۱۹). قربانیان اصلی کنترل‌گری در محیط خانواده در مرحله اول زنان و پس از آن کودکان و سرانجام مردان هستند (ضیایی، ۱۳۹۴). عواملی همچون نقش‌های جنسیتی، خصوصیات شخصیتی و آسیب‌های روانی از جمله موارد تسهیل‌کننده یا ایجادکننده کنترل‌گری بوده (هامبرگر و همکاران، ۲۰۱۷) و با پیامدهای منفی در سلامت روان بویژه بروز افسردگی همراه است (لووستان^{۱۵} و همکاران، ۲۰۱۷). از دیگر تأثیرات ناخوشایند کنترل‌گری، ترس و اضطراب (بی‌شاپ و بتینسون^{۱۶}، ۲۰۱۸)، عملکرد بین فردی نامطلوب زوجین (باکوم و همکاران، ۲۰۱۹)، کاهش کیفیت روابط زناشویی (مبلیان و همکاران، ۱۴۰۰)، کاهش رضایت زناشویی همسران (هامت و همکاران، ۲۰۲۱) و بروز دلزدگی زناشویی^{۱۷} (رحمانی، ۱۳۹۷) هستند. زیر پا گذاشتن آزادی‌های فردی زوجین باعث ایجاد احساسات و هیجانات منفی همچون احساس گناه و ترس در شریک رابطه می‌شود (پوررجب و کامیابی، ۱۳۹۶). در مطالعه گو^{۱۸} و همکاران (۲۰۱۹) اقدام به کنترل‌گری از سوی زنان پیش‌بینی‌کننده افسردگی و عدم رضایت زناشویی در مردان و اقدام به کنترل‌گری از سوی مردان پیش‌بینی‌کننده عدم رضایت

10 Scott, H. S.

11 Hamberger, L. K.

12 Hardesty, J. L.

13 entrapment

14 Stark, E., & Hester, M.

15 Lövestad, S.

16 Bishop, C., & Bettinson, V.

17 couples burnout

18 Gou, L. H.

1 Baucom, D. H.

2 violence

3 Nurhayati, S. R.

4 Hammett, J. F.

5 world health organization (WHO)

6 Breiding, M.

7 Ekta, S., & Rakesh Kumar, B.

8 Jud, A.

9 coercive control

زناشویی در زنان بود. مرتضایی و رضازاده (۱۳۹۹) و براوو و سیلوا^۱ (۲۰۱۸) در مطالعه خود نشان دادند که مواردی همچون احساس برابری و آزادی دادن به طرف مقابل در روابط همسران از اهمیت بالایی برخوردار است.

به نظر می‌رسد یکی دیگر از عوامل پیش‌بینی کننده خشونت همسران، تمایزیافتگی^۲ باشد. مفهوم تمایزیافتگی ابتدا به وسیله بوئن^۳ (۱۹۷۸) مطرح شد و به معنای ایجاد مرزبندی‌های مشخص است. وی معتقد بود تمایزیافتگی دارای دو سطح درون فردی و بین فردی است. سطح درون فردی به معنی توانایی تفکیک فرایندهای عقلی از احساسی و سطح بین فردی به معنی توانایی تجربه خودمختاری^۴ در عین وجود صمیمیت است (به نقل از رافضی و صبوری، ۱۴۰۱). علاوه بر سطوح تمایزیافتگی خود، چهار عامل آن توسط اسکورن و فریدلندر^۵ (۱۹۹۸) نیز مشخص شده که بر فرآیندهای هیجانی درون خانواده مؤثر است: واکنش‌پذیری هیجانی^۶، جایگاه من^۷، گریز هیجانی^۸ و هم‌آمیختگی با دیگران^۹. تمایزیافتگی یک ترکیب پیچیده از بلوغ عاطفی، توانایی تفکر منطقی در یک موقعیت هیجانی و توانایی حفظ روابط عاطفی نزدیک است (دریک^{۱۰}، ۲۰۱۱) که موجبات سلامت روانی و خانوادگی فرد را فراهم می‌کند (گراسمن^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۶؛ ویلیس^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۱). در نظام زناشویی نیز وقتی تمایزیافتگی زوج‌ها بالا باشد احتمال سازگاری مناسب با تعارض‌ها بیشتر شده و واکنش‌های هیجانی کاهش می‌یابد (بوسر^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۹). پژوهش یوان^{۱۴} و همکاران (۲۰۲۲) نشان داد هرچه واکنش‌پذیری هیجانی فرد بالا باشد، واکنش‌های اجتنابی همسر افزایش و کیفیت زناشویی کاهش خواهد یافت. مطالعه لمپیس^{۱۵} و همکاران (۲۰۱۷) نشان داد تمایزیافتگی خود در سبک‌های

دل‌بستگی عاشقانه و روابط زوجی نقش دارد. پژوهش ایشیک^{۱۶} و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد که تمایزیافتگی خود با سطوح بالاتر سازگاری زناشویی مرتبط بوده و به رضایت از زندگی منجر می‌شود. در پژوهش رافضی و همکاران (۱۴۰۱)، خرده مقیاس گریز هیجانی خودتمایزیافتگی با صمیمیت زناشویی رابطه معکوس و معنادار داشت. افراد بزرگسالی که از میزان تمایزیافتگی مناسب برخوردار نباشند نمی‌توانند به میزان صمیمیت مناسبی در روابط خود دست پیدا کنند (دالز-دل-کاستلار و اولیور^{۱۷}، ۲۰۲۱). پژوهش جعفرزاده و همکاران (۱۳۹۹) و حاجی و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد با افزایش تمایزیافتگی، میزان خشونت همسران کاهش می‌یابد. از جمله عواملی که موجب اختلال در عملکرد و قدرت سازگاری و در نهایت پایین آمدن کیفیت زندگی می‌شود، تنیدگی روان‌شناختی^{۱۸} یا استرس است (سahin^{۱۹} و همکاران، ۲۰۱۴). براساس نظر سلیه^{۲۰} (۱۹۸۰)، تنیدگی بیان‌گر عکس‌العمل‌های فیزیکی-شیمیایی، ذهنی و عاطفی بدن در مقابل رویدادها و موقعیت‌های وحشتناک، هیجان‌آور، خطرناک و حساس است و بنابراین تنیدگی واکنش و پاسخی به موقعیت‌های فشارآور است یا حالتی قلمداد می‌شود که در آن فرد بر اثر محرک‌های خارجی از وضعیت و حالت معمول خود خارج می‌شود و می‌کوشد خود را با آن‌ها منطبق و سازگار نماید (به نقل از بورتون^{۲۱}، ۲۰۲۰). هرگاه تعادل و سازگاری ارگانیسم به علت عوامل مخل خارجی از بین رود، فرد دچار تنیدگی می‌گردد (لاهدپورو^{۲۲} و همکاران، ۲۰۱۹). مطالعات نشان می‌دهند که تأثیر نشانگان تنیدگی بر خشونت خانگی بسیار جدی‌تر از عوامل تنش‌زای دیگر مثل مشکلات خانوادگی و مالی است (رپتی و وانگ^{۲۳}، ۲۰۱۷). افزایش تنیدگی روان‌شناختی روزانه

13 Buser, T. J.

14 Yuan, Q.

15 Lampis, J.

16 Isik, E.

17 Dolz-del-Castellar, B., & Oliver, J.

18 psychological tension

19 Sahin, S.

20 Selye

21 Bhurtun, H.

22 Lähdepuro, A.

23 Repetti, R., & Wang, S. W.

1 Bravo, C. S., & Silva, R. M. H.

2 differentiation

3 Bowen, M.

4 autonomy

5 Skowron, E. A., & Friedlander, M. L.

6 emotional reactivity

7 i-position

8 emotional cutoff

9 fusion with others

10 Drake, J. R.

11 Grossmann, I.

12 Willis, K.

موجب می‌شود زوجین رویدادهای زندگی را به صورت منفی‌تر ادراک و ارزیابی کنند (لاونر و برادبوری^۱، ۲۰۱۷). تنیدگی روان‌شناختی از طریق کاستن زمان باهم بودن همسران و به اشتراک گذاری تجارب، تضعیف احساس باهم بودن، کاهش تعاملات مثبت، افزایش ایجاد مشکلات شخصیتی و روانی، افزایش خطر ابتلاء به مشکلات جسمانی و روانشناختی و کاهش خودآشنایی، بر کیفیت و ثبات رابطه زناشویی تأثیری منفی بر جای می‌گذارد (راندال و بودنمن^۲، ۲۰۱۷).

چنان‌که بحث شد پژوهش‌های اندکی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته که به بررسی رابطه متغیرهای این پژوهش و در جامعه آماری آن انجام شده باشد. هرچند برخی مطالعات به بررسی رابطه بین برخی از متغیرهای تحقیق به صورت جداگانه پرداخته‌اند؛ با این حال، تاکنون هیچ مطالعه‌ای درخصوص روابط همزمان همه این مولفه‌ها در قالب یک مدل علی صورت نگرفته است و خلأهای پژوهشی بسیاری در این زمینه وجود دارد که انجام مطالعات بیشتر را دارای اهمیت می‌سازد. انتظار می‌رود نتایج حاصل از این مطالعه بتواند گامی در جهت بهبود کیفیت زندگی همسران باشد. از این رو در مطالعه حاضر این سوال مطرح می‌شود که آیا مدل رابطه کنترل‌گری و تمایز یافتگی با خشونت همسران با میانجی‌گری تنیدگی روانشناختی در زوجین مراجعه‌کننده در مراکز مشاوره تبریز با داده‌های تجربی مطابقت دارد؟

روش

روش این پژوهش از نوع توصیفی همبستگی است که به بررسی روابط متغیرها در یک مدل علی می‌پردازد. جامعه آماری این پژوهش شامل همه همسران مراجعه‌کننده به اورژانس اجتماعی شهر تبریز در نیمه اول سال ۱۴۰۲ بودند که در این جامعه، زنان

تحت خشونت خانوادگی توسط همسرانشان قرار گرفته بودند. تعداد این زنان ۳۰۵ نفر بود ($N=305$). این افراد براساس ملاک‌های ورود سن ۲۰ تا ۴۰ سال، جنسیت زن، دارای حداقل یک فرزند و حداقل تحصیلات دیپلم و ملاک‌های خروج مصرف داروی اعصاب و روان طی سه ماهه گذشته، ابتلاء به بیماری صعب‌العلاج جسمی مانند سرطان، ام‌اس و نظیر آن، بهره‌گیری از خدمات مشاوره و روان‌شناسی طی سه ماه پیش از آغاز پژوهش به عنوان جامعه وارد پژوهش شدند. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و هدفمند بود. در این پژوهش حجم نمونه بر اساس نظر کلاین^۳ (۲۰۱۶) ۲۳۱ نفر تعیین شد که با در نظر گرفتن افت شرکت کنندگان، ۲۴۵ پرسشنامه توزیع شد و در نهایت داده‌های مربوط به ۲۴۰ نمونه مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت ($n=240$). ابزار گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر به شرح زیر بود:

پرسش‌نامه خشونت همسران: به منظور سنجش خشونت همسران از پرسشنامه خشونت علیه زنان حاج‌یحیی (۱۹۹۹) استفاده شد. این پرسشنامه برگرفته از پرسشنامه مقیاس تکنیک تعارض^۴ استراوس^۵ (۱۹۷۹)، پرسشنامه خشونت روان‌شناختی زنان تولمن^۶ (۱۹۹۹)، سنجش آزارگری رادبرگ و فانتوزو^۷ (۱۹۹۳)، شاخص همسرآزاری^۸ هودسون و مک‌ایتاش^۹ (۱۹۸۱) و پرسشنامه رفتارهای خشونتی^{۱۰} شپارد و کمپل^{۱۱} (۱۹۹۲) است. این پرسشنامه شامل ۳۲ سؤال است و چهار عامل آزار روانی^{۱۲}، خشونت فیزیکی^{۱۳}، آزار جنسی^{۱۴} و آزار اقتصادی^{۱۵} را مورد سنجش قرار می‌دهد. نمره گذاری این پرسشنامه در مقیاس لیکرت سه درجه‌ای (هرگز=۱، یکبار=۲ و دو بار یا بیشتر=۳) انجام می‌شود. حاج‌یحیی (۱۹۹۹) بر پایه نتایج حاصل از نخستین زمینه‌یابی ملی فلسطینی^{۱۶} درمورد

9 Hudson and McIntosh

10 abusive behavior inventory (ABI)

11 Shepard, M. F., & Campbell, J. A.

12 psychological abuse

13 physical violence

14 sexual abuse

15 economic abuse

16 first palestinian national survey (FPNS)

1 Lavner, J. A., & Bradbury, T. N.

2 Randall, A. K., & Bodenmann, G.

3 Kline, R. B.

4 conflict tactics scale (CTS)

5 Straus

6 Tolman

7 Radenberg & Fantozo

8 index of spouse abuse (ISA)

خشونت علیه زنان که در نمونه ای به حجم ۲۴۱۰ زن انجام گرفت، پایایی پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ برای سوءاستفاده روانی ۰/۷۱، خشونت فیزیکی ۰/۸۶، سوءاستفاده جنسی ۰/۹۳ و سوءاستفاده اقتصادی ۰/۹۲ گزارش کرد که نشان از پایایی مطلوب آن دارد. امیری شمیلی (۱۳۹۳) پس از ترجمه این پرسشنامه آن را در اختیار چند تن از اساتید متخصص قرار داد و روایی صوری پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. همچنین، برای محاسبه پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برابر با ۰/۸۶ به دست آمد (امیری شمیلی، ۱۳۹۳). در مطالعه حاضر، نتایج آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۷۸ بدست آمد که حاکی از همسانی درونی سوالات پرسشنامه می‌باشد.

پرسش‌نامه کنترل‌گری: به منظور سنجش کنترل‌گری از مقیاس تجدیدنظر شده رفتارهای کنترلی گراهام-کاون و آرچر^۱ (۲۰۰۵) استفاده شد. نسخه ۲۴ سوالی این مقیاس نخستین بار در سال ۲۰۰۳ به وسیله گراهام-کاون و آرچر بر مبنای اطلاعات مربوط به یک برنامه مداخله‌ای علیه خشونت خانگی که در انگلیس اجرا شده بود، ساخته شد. نتایج حاصل از این برنامه نشان می‌داد که رفتارهای کنترل‌گرایانه، رفتاری کلیدی در این گونه خانواده‌ها است. در این مقیاس تنها مقولات رفتاری در نظر گرفته می‌شود و پرخاشگری بدنی را شامل نمی‌شود و فرد گزارشی از رفتارهای کنترل‌گرایانه خود و همسرش را ارائه می‌دهد. نسخه تجدیدنظر شده مقیاس رفتارهای کنترلی که در سال ۲۰۰۵ توسط سازندگان ساخته شد، شامل ۲۹ سوال و پنج خرده‌مقیاس کنترل اقتصادی، کنترل تهدیدآمیز، کنترل از طریق ترساندن، کنترل هیجانی و کنترل از طریق منزوی کردن است. برای زوج هایی که دارای فرزند هستند، چند عبارت دیگر به مقیاس اضافه شده است و خرده‌مقیاس ششم عبارت است از کنترل از طریق فرزندان. در مطالعه حاضر از آنجا که داشتن حداقل یک فرزند جزء ملاک‌های ورود به پژوهش بود، هر شش خرده‌مقیاس لحاظ شدند. آزمودنی باید در یک مقیاس

لیکرت ۵ درجه‌ای (از نمره ۰ برای هرگز تا نمره ۴ برای همیشه) روشن کند که خودش و همسرش به چه میزان هریک از رفتارهای موردنظر را انجام می‌دهند. نمرات بالاتر بیانگر کنترل‌گری اجبارگونه بیشتر است. در بررسی این پرسشنامه روی ۲۰۰۰ نفر در انگلستان ضریب آلفای کلی آزمون در نمونه زنان ۰/۹۰ و در مردان ۰/۸۹ بوده است. بررسی روایی این مقیاس بیانگر سازگاری آن با مقیاس تجدیدنظر شده تاکتیک‌های تعارض^۲ برای اقدام‌کننده و قربانی بود (به نقل از اسلیث^۳ و همکاران، ۲۰۱۸). ویژگی های روان‌سنجی این پرسشنامه در ایران توسط ضیایی (۱۳۹۴) بررسی شد و نشان داد پایایی نسخه فارسی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ با نتایجی که سازندگان در سال ۲۰۰۳ گزارش داده بودند همخوانی دارد. همچنین ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۹۵ و برای خرده‌مقیاس‌های کنترل اقتصادی ۰/۷۱، کنترل تهدیدآمیز ۰/۸۸، کنترل از طریق ترساندن ۰/۶۹، کنترل هیجانی ۰/۸۴، کنترل از طریق منزوی کردن ۰/۹۰ و کنترل از طریق فرزندان ۰/۸۲ به دست آمد (به نقل از کیادربندسری و همکاران، ۱۴۰۰). در مطالعه حاضر، نتایج آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۶۴ بدست آمد که حاکی از همسانی درونی سوالات پرسشنامه می‌باشد.

پرسش‌نامه تمایزیافتگی: در مطالعه حاضر، برای اندازه‌گیری تمایزیافتگی، از پرسشنامه تمایزیافتگی اسکورن و فریلندر^۴ (۱۹۹۸) استفاده شد. این پرسشنامه به منظور سنجش تمایزیافتگی افراد به کار می‌رود و تمرکز اصلی آن روی ارتباطات مهم زندگی و روابط افراد با خانواده اصلی است. این پرسشنامه شامل ۴۳ جمله و دارای چهار خرده مقیاس واکنش‌پذیری هیجانی، جایگاه من، گریز هیجانی و هم‌آمیختگی با دیگران است. برای نمره‌گذاری این پرسشنامه، از طیف لیکرت شش درجه‌ای از اصلاً شبیه خصوصیات من نیست=۱ تا کاملاً شبیه خصوصیات من است=۶ استفاده می‌شود. این پرسشنامه دارای نمره کل است و نمرات بیشتر به منزله

4 Skowron, E. A., & Friedlander, M. L.

1 Graham-Kevan, N., & Archer, J.

2 revised conflict tactics scale (RCTS)

3 Sleath, E.

در این پژوهش تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد. تحلیل‌های آماری با کمک نرم‌افزارهای آماری شامل نسخه ۲۶ نرم‌افزار اسپاس‌اس^۱ و نسخه ۸ نرم‌افزار لیزرل^۲ صورت گرفت.

نتایج

یافته‌های توصیفی مربوط به ۲۴۰ نفر از زنان که تحت خشونت خانوادگی توسط همسرانشان مراجعه کننده به اورژانس اجتماعی شهر تبریز در نیمه اول سال ۱۴۰۲ بیانگر سن شرکت کنندگان در دامنه برحسب سن افراد ۲۰-۳۰ سال ۱۲۷ نفر (۵۲/۹۲ درصد)، افراد با سن ۳۰-۴۰ سال ۱۱۳ نفر (۴۷/۰۸ درصد) بود. همچنین، از نظر وضعیت شغلی، شغل کارمندی ۱۳۱ نفر (۴۸/۳۴ درصد)، شغل خانه داری ۱۱۹ نفر (۴۹/۵۸ درصد)، آزاد ۳۷ نفر (۱۵/۴۲ درصد)، شغل آزاد ۸۴ نفر (۳۵ درصد)، شغل کارمندی ۸۴ نفر (۳۵ درصد) بودند. از نظر سطح تحصیلات، افراد با تحصیلات لیسانس ۱۱۶ نفر (۴۸/۳۳ درصد)، تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم ۷۲ نفر (۳۰ درصد)، تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر ۵۲ نفر (۲۱/۶۷ درصد) بودند. از نظر مدت ازدواج، مدت ازدواج ۱۵-۱۱، ۱۱۶ نفر (۴۶/۳۳ درصد)، مدت ازدواج ۱-۵ سال ۸۱ نفر (۳۳/۷۵ درصد) مدت ازدواج ۱۵ سال به بالا ۴۳ نفر (۱۷/۹۱ درصد) بودند. برحسب تعداد فرزندان، یک فرزند ۱۱۹ نفر (۴۹/۵۸ درصد)، دو فرزند ۹۴ نفر (۳۹/۱۷ درصد) سه فرزند و بیشتر ۲۷ نفر (۱۱/۲۵ درصد) بودند. در جدول ۱، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش آورده شده است.

تمایز یافتگی بیشتر در فرد است. اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) همسانی درونی نمره کل و خرده مقیاس های این پرسشنامه را برای واکنش پذیری هیجانی ۰/۸۴، هم آمیختگی با دیگران ۰/۷۴، جایگاه من ۰/۸۳، گریز هیجانی ۰/۸۲ و نمره کل مقیاس ۰/۸۸ گزارش کردند. در پژوهش شریعت و همکاران (۱۴۰۰)، ضریب همسانی درونی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۷ محاسبه شد. در مطالعه حاضر، نتایج آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۲۵ بدست آمد که حاکی از همسانی درونی سوالات پرسشنامه می باشد. پرسش نامه تنیدگی روانشناختی: پرسشنامه نشانگان تنیدگی بوسیله سیدخراسانی (۱۳۷۷) ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۵۰ عبارت است که بر مبنای یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای تعیین می شود و دامنه بروز نشانگان تنیدگی می تواند از هرگز، کم، تاحدی، زیاد، خیلی زیاد باشد و چهار دسته از نشانگان تنیدگی شامل نشانگان جسمانی، شناختی، عاطفی و رفتاری را می سنجد. بنابر مطالعات مقدماتی و روانسنجی روشن شد این پرسشنامه دارای روایی صوری و محتوایی مناسبی است. پرسشنامه جهت بررسی ماده‌های پرسشنامه در اختیار متخصصان روانسنجی و روانشناسی قرار گرفت و برای سنجش میزان تنیدگی مورد تایید واقع شد. اعتبار پرسشنامه نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است. ضریب آلفای کل پرسشنامه برابر است با ۰/۸۲، ضریب آلفا برای خرده مقیاس نشانگان جسمانی ۰/۸۱، نشانگان عاطفی (روانی) ۰/۸۱، نشانگان شناختی ۰/۸۰ و نشانگان رفتاری ۰/۸۳ گزارش شده است (سید خراسانی، ۱۳۷۷). در مطالعه حاضر، نتایج آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۴۱ بدست آمد که حاکی از همسانی درونی سوالات پرسشنامه می باشد.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار و تعداد آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل	کجی	کشیدگی
کنترل اقتصادی	۱۲/۶۱	۲/۴۹۱	۱۶	۸	-۰/۲۵۴	-۱/۱۹۷
کنترل تهدید آمیز	۱۲/۴۴	۲/۵۳۱	۱۶	۷	-۰/۱۷۶	-۱/۲۲۸

کنترل از طریق ترساندن	۱۲/۴۸	۲/۴۸۳	۱۶	۸	۰/۱۱۸	-۱/۲۹۲
کنترل هیجانی	۱۲/۴۹	۲/۵۳۲	۱۶	۸	۰/۱۷۹	-۱/۳۰۵
کنترل از طریق منزوی کردن	۱۲/۲۴	۲/۵۹۵	۱۶	۸	-۰/۰۴۴	-۱/۳۶۹
کنترل از طریق فرزندان	۱۲/۵۵	۲/۴۶۸	۱۶	۸	-۰/۱۷۸	-۱/۲۱۰
کنترل گری	۷۴/۸۰	۴/۴۰۸	۹۶	۴۸	-۰/۱۷۶	-۱/۱۷۳
آزار روانی	۳۱/۵۰	۳/۷۵۱	۴۵	۱۶	۰/۰۹۶	-۱/۱۹۹
خشونت فیزیکی	۲۰/۴۵	۴/۳۱۰	۳۰	۱۰	۰/۰۷۰	-۰/۱۲۷
آزار جنسی	۴/۸۰	۱/۵۰۷	۹	۳	۱/۲۲۴	۱/۴۷۴
آزار اقتصادی	۴/۲۵	۱/۱۲۳	۶	۲	-۰/۱۷۵	-۰/۶۹۰
خشونت همسران	۶۱	۵/۲۲۶	۷۹	۴۰	۰/۲۶۳	-۰/۷۱۹
نشانیگان جسمانی	۷۶/۹۸	۲/۴۷۹	۹۹	۲۲	-۱/۴۷۰	۰/۵۳۶
نشانیگان شناختی	۱۶/۴۱	۲/۳۲۱	۲۰	۱۰	-۰/۴۵۴	۰/۳۹۲
عاطفی	۴۶/۵۴	۴/۱۷۱	۷۸	۱۶	-۰/۰۰۶	-۱/۲۹۶
رفتاری	۳۱/۸۳	۳/۴۲۹	۴۰	۷	-۰/۶۰۷	۱/۹۹۶
تنیدگی روان شناختی	۱۷۱/۱۷۶	۴/۵۶۳	۲۲۵	۵۸	-۱/۱۲۴	۰/۳۰۵
واکنش پذیری هیجانی	۵۲/۰۵	۳/۷۳۱	۶۵	۱۴	-۱/۴۶۲	۰/۷۳۶
جایگاه من	۵۲/۳۰	۳/۵۷۸	۶۸	۱۴	-۱/۴۹۱	۰/۸۵۰
گریز هیجانی	۵۱/۹۰	۳/۷۲۰	۶۵	۱۴	-۱/۴۱۱	۰/۵۸۱
هم آمیختگی با دیگران	۵۲/۱۳	۳/۶۷۳	۶۵	۱۴	-۱/۴۸۷	۰/۸۰۱
تمایز یافتگی	۲۰۸/۳۹	۴/۴۶	۲۶۱	۵۶	-۱/۴۷۷	۰/۷۹۱

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود در متغیر کنترل‌گری، بالاترین میانگین مربوط به کنترل اقتصادی (۱۲/۶۱) و کمترین میانگین مربوط به کنترل از طریق منزوی کردن (۱۲/۲۴) است. در متغیر خشونت همسران بالاترین میانگین مربوط به آزار روانی (۳۱/۵۰) و کمترین میانگین مربوط به متغیر آزار اقتصادی (۴/۲۵) است. در متغیر تنیدگی روان شناختی بالاترین میانگین مربوط

به عاطفی (۴۶/۵۴) و کمترین میانگین مربوط به نشانیگان شناختی (۱۶/۴۱) است. همچنین، در متغیر تمایز یافتگی بالاترین میانگین مربوط به جایگاه من (۵۲/۳۰) و کمترین میانگین مربوط به گریز هیجانی (۵۱/۹۰) است.

جدول ۲. ضرایب همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴
۱- کنترل‌گری	۱			
۲- خشونت همسران	۰/۳۷۴**	۱		
۳- تنیدگی روان شناختی	۰/۵۷۸**	۰/۶۷۸**	۱	
۴- تمایز یافتگی		-۰/۴۲۱**	-۰/۶۱۱**	۱

قبل از تحلیل داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل مسیر، ابتدا فرض‌های بهنجاری چندمتغیری، خطی بودن، هم خطی چند گانه و استقلال خطاهای آزمون تایید شدند. جهت بررسی

نرمال بودن داده‌ها از آزمون کجی و کشیدگی استفاده شد. با توجه به اینکه آماره‌های کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش همه بین ۲- و ۲+ بودند، فرض نرمال بودن داده‌ها تایید شد.

جهت بررسی هم خطی چندگانه، از آماره تحمل و عامل تورم واریانس ۱ استفاده شد و برای همه متغیرها عامل تورم واریانس، کمتر از ۱۰ و آماره تحمل بیشتر از ۰/۱ بود؛ بنابراین، مفروضه عدم هم خطی چندگانه رعایت شد. همچنین برای آزمون مفروضه استقلال خطاها از آزمون دوربین واتسون استفاده شد. مقدار به دست آمده در این پژوهش برابر با ۲/۳۸ و چون در طیف ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، بیانگر رعایت مفروضه استقلال خطاهاست. با توجه به رعایت مفروضه‌ها می‌توان برازندگی

الگوی پیشنهادی را بر اساس معیارهای برازندگی ارزیابی کرد. برای ارزیابی مدل پیشنهادی این پژوهش از روش تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزار اسپاس ویراست ۲۶ و لیزرل ویراست ۸ استفاده شده است. مدل پیشنهادی جهت تدوین مدل یابی رابطه کنترل گری و تمایز یافتگی با خشنونت همسران از طریق میانجی گری تنیدگی روانشناختی در زوجین مراجعه کننده در مراکز مشاوره تبریز به دست آمده است که در نمودار ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۳. شاخص‌های نیکویی برازش مدل

شاخص‌های برازش	میزان	ملاک	تفسیر
کای اسکوئر (χ^2)	۱۷۸/۴۰	-	-
درجه آزادی (df)	۸۸	-	-
سطح معناداری	۰/۰۰۱	کمتر از ۰/۰۵	-
نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی (χ^2/df)	۱۷۸/۴۰ بخش بر ۸۸	کمتر از ۳	برازش مطلوب
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۱۷	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)	۰/۸۶۶	بیشتر از ۰/۸۵	برازش مطلوب
شاخص برازش نسبی (RFI)	۰/۹۳۸	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
شاخص برازش افزایشی (IFI)	۰/۹۲۱	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۲۶	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
شاخص توکلر-لویس (TLI)	۰/۹۲۴	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
شاخص برازش هنجار شده (NFI)	۰/۹۱۳	بیشتر از ۰/۹۰	برازش مطلوب
ریشه میانگین مجذورات خطای برآورد (RMSEA)	۰/۰۴۳	کمتر از ۰/۱	برازش مطلوب
شاخص برازش مقتصد هنجار شده (PNFI)	۰/۶۶۹	بیشتر از ۰/۵۰	برازش مطلوب
شاخص نیکویی برازش مقتصد (PGFI)	۰/۶۷۷	بیشتر از ۰/۵۰	برازش مطلوب

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که مقدار آماره χ^2 برابر با ۱۷۸/۴۰ با درجه آزادی ۸۸ است. حاصل تقسیم کای اسکوئر تقسیم بر درجه آزادی ۲/۰۳ بوده و کمتر از ۳ است که بیانگر برازش عالی مدل می‌باشد. شاخص نیکویی برازش برابر با ۰/۹۱۷ است که نشان دهنده برازش مطلوب مدل است. شاخص نیکویی برازش تعدیل شده برابر با ۰/۸۶۶ می‌باشد که بزرگتر از ۰/۸۵ بوده و بنابراین مدل از برازش مطلوب برخوردار است. مقدار ریشه میانگین مجذورات خطای برآورد نیز ۰/۰۴۳ می

باشد که با توجه به اینکه کمتر از ۰/۱ است، مطلوب بوده و نشان‌دهنده تأیید مدل پژوهش می‌باشد. شاخص برازش هنجار شده برابر با ۰/۹۱۳، شاخص برازندگی هنجار نشده یا توکلر-لویس برابر با ۰/۹۲۴، شاخص برازش تطبیقی برابر با ۰/۹۲۶ و شاخص برازش نسبی برابر با ۰/۹۳۸ است که همگی نشان دهنده برازش مطلوب و تأیید مدل پژوهش می‌باشد. با توجه به مطالب بالا و شاخص‌های کمی برازش، می‌توان نتیجه گرفت که مدل نظری پژوهش قابل قبول است. بنابراین، می

$(P < 0/01)$ ؛ بین تنیدگی روان شناختی با خشونت همسران رابطه مستقیم وجود دارد ($r = 0/678$ ؛ $P < 0/01$).

جدول ۵. نتایج روش بوت استروپ در بررسی مسیرهای غیر مستقیم و میانجی

متغیر برونزا	متغیر میانجی	متغیر درونزا	مقدار برآورد	حد بالا	حد پایین	سطح معناداری	فاصله اطمینان
کنترلگری	تنیدگی روان شناختی	خشونت همسران	۰/۴۹۶	۰/۲۴۳	۰/۱۳۷	۰/۰۰۱	۰/۹۵
تمایز یافتگی	تنیدگی روان شناختی	خشونت همسران	-۰/۶۱۱	۰/۲۵۱	۰/۱۱۷	۰/۰۰۱	۰/۹۵

فاصله‌های اطمینان جدول ۵ حاکی از معنی‌داری مسیر غیرمستقیم بین کنترلگری با خشونت همسران با میانجی‌گیری خشونت همسران $\beta = 0/496$ که در سطح $p < 0/01$ از لحاظ آماری معنی‌دار بود. همچنین، مسیر غیرمستقیم بین تمایز یافتگی با خشونت همسران با میانجی‌گیری تنیدگی روان شناختی $\beta = -0/611$ که در سطح $p < 0/01$ از لحاظ آماری معنی‌دار بود. در فواصل مذکور به علت قرار نگرفتن صفر در این فواصل، رابطه مسیر غیرمستقیم یادشده معنی‌دار تلقی می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین برازش مدل رابطه کنترلگری و تمایز یافتگی با خشونت همسران با میانجی‌گیری تنیدگی روانشناختی در زوجین مراجعه‌کننده در مراکز مشاوره تبریز انجام گرفت. یافته‌های این مطالعه نشان داد کنترلگری بر خشونت همسران از طریق میانجی‌گری تنیدگی روانشناختی تأثیر غیرمستقیم و مثبت دارد. از آنجا که در مدل‌های میانجی، فرض بر این است که متغیر میانجی به‌عنوان رابط بین متغیر درونزا با برونزا قرار می‌گیرد و رابطه بین آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بارون و کنی^۱، ۱۹۸۶)؛ به تبیین رابطه دوسویه بین کنترلگری و تنیدگی روان‌شناختی با خشونت همسران پرداخته شده است.

پیرامون رابطه بین کنترلگری و خشونت همسران، یافته مطالعه حاضر همسو با نتیجه مطالعه لینچ^۲ و همکاران (۲۰۱۵) و لینچ

(۲۰۱۸) است، مبنی بر این که یکی از عوامل بروز اختلالات روانی و خشونت، کنترلگری است. در تبیین این یافته لازم به توضیح است که کنترلگری به این معنی است که فرد تمایل بیش از اندازه به نفوذ در دیگران و اعمال قدرت بر آن‌ها داشته باشد؛ به طوری که همه کارها، رفتارها و اعمال فرد مقابل، دقیقاً براساس خواست و علاقه فرد کنترل‌گر انجام شود. از جمله ویژگی‌های مهم شخصیت کنترل‌گر شامل عدم انتقادپذیری، پرخاشگری، خشونت کلامی و فیزیکی، خودمحوری و خودخواهی، اغراق در مورد خطاها و حسادت است که می‌تواند منجر به بروز خشونت نسبت به همسر شود. همچنین، براساس نظریه انتخاب، تعارض زناشویی ناشی از تضاد خواسته‌های زوجین، غیرواقعی بودن خواسته‌ها، انتخاب رفتارهای غیرمسئولانه در روابط زناشویی، ناتوانی در ارزشیابی از رفتارهای خود و انتخاب رفتارهای مخرب کنترل بیرونی است. هدف نظریه انتخاب، کاهش و حذف رفتارهای کنترل-گری بیرونی و افزایش رفتارهای کنترل درونی در زوجین است. در این دیدگاه، بهترین روش درمان تعارض زناشویی، تغییر رفتار از طریق انتخاب رفتارهای سالم و سازنده کنترل درونی است. تغییر از طریق انتخاب رفتارهای مهرورزانه کنترل درونی مانند گوش سپردن، حمایت، تشویق، احترام، اعتماد و پذیرش روی می‌دهد که موجب بهبود رابطه زوجی می‌شود. فرض اصلی نظریه انتخاب این است که اگر زوجین در روابط زناشویی دست از رفتارهای کنترل بیرونی برای اصلاح و

2 Lynch, T. R.

1 Baron, R. M., & Kenny, D. A.

تغییر دادن همسر بردارند و از رفتارهای کنترل درونی به منظور تغییر رفتار خود استفاده کنند، آنگاه تعارضات زناشویی کاهش و سازگاری و رضایت زناشویی افزایش می‌یابد. از نظر گلاسرا^۱، برای کاهش تعارض زناشویی، وظیفه زوج درمانگران آن است که زوجین را برای انتخاب رفتارهای مهرورزانه کنترل درونی تشویق و هدایت کنند. به اعتقاد گلاسرا، اغلب زوجها در مواجهه با مسائل و مشکلات زناشویی و خانوادگی، از هفت رفتار مخرب کنترل بیرونی (عیب‌جویی یا انتقاد، سرزنش، شکوه و گلایه، نق و غر، تهدید، تنبیه و حق حساب دادن یا باج) برای تحت کنترل در آوردن رفتار دیگران استفاده می‌کنند. در حقیقت زوجین در صورت ناتوانی در حل مسائل مشترکشان، متوسل به این هفت رفتار کنترل بیرونی در روابط زن و شوهری می‌شوند که این امر تعارضات زناشویی، برون‌ریزی خشم و خشونت و در نهایت طلاق را در پی دارد.

پیرامون رابطه بین تنیدگی روان‌شناختی و خشونت همسران نتیجه مطالعه وودبری و پاپنو^۲ (۲۰۰۸)، در حمایت از یافته مطالعه حاضر است که نشان دادند مشکلات روان‌شناختی وابستگی زیاد با خشونت دارد که شامل افسردگی، ترس، اضطراب، عزت‌نفس پایین، خودکشی، ضربه‌روانی و سوء مصرف مواد است و این عوامل منجر به استرس و تنیدگی در زنان قربانی خشونت می‌گردد. همسو با این یافته، ساهین و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند تنیدگی روان‌شناختی و استرس موجب اختلال در عملکرد و قدرت سازگاری و در نهایت پایین آمدن کیفیت زندگی می‌شود (ساهین و همکاران، ۲۰۱۴) که می‌تواند منجر به اعمال خشونت در روابط زوجی شود. در تبیین این یافته می‌توان گفت تنیدگی، مجموعه واکنش‌های عمومی انسان نسبت به عوامل ناسازگار و غیرمنتظره خارجی تعریف می‌شود و دارای مؤلفه‌های هیجانی، شناختی، رفتاری و بدنی است. افراد با تنیدگی روان‌شناختی تجربه آشفتگی هیجانی را توان‌فرسا و غیرقابل پذیرش ارزیابی می‌کنند و در نتیجه نمی‌توانند این حالت هیجان منفی را تسکین دهند. از این رو،

تنیدگی‌های روان‌شناختی ممکن است آثار منفی در محیط خانوادگی و روابط بین همسران باقی بگذارد و منجر به بروز خشونت خانگی شود. یافته مطالعه لوکاس-تامپسون^۳ و همکاران (۲۰۱۷) نیز در همین راستا و در تأیید این تبیین است. رومیتو^۴ و همکاران (۲۰۱۳) عنوان می‌کنند تداوم خشونت به شکل جدی خانواده را در معرض نابودی قرار می‌دهد و زنان بیشتر از مردان با احساس ترس، درد، حقارت و عصبانیت به آن واکنش نشان می‌دهند (رومیتو و همکاران، ۲۰۱۳) که می‌تواند بر رابطه دوسویه و متقابل تنیدگی روان‌شناختی و خشونت همسران نیز صحنه بگذارد. برادلی^۵ و همکاران (۲۰۰۵) نیز از مشکلات شایع روان‌شناختی در زنان قربانی خشونت خانگی را اختلالات افسردگی، استرس پس از آسیب، سوء مصرف مواد، مشکلات روانی اجتماعی همچون بی‌قراری، ترس، هراس، احساس خود کم‌بینی و حقارت، احساس درماندگی، اعتماد به نفس پایین، احساس بی‌ارزشی و بی‌کفایتی، خصومت و دشمنی، برانگیختگی و سطح پایین عزت‌نفس ذکر کرده‌اند. در واقع، کنترل کردن صفتی است که در آن، فرد گرایش به مهار کردن رفتار دیگران دارد و با سلطه‌جویی هم‌معنی است. کنترل روی افراد دیگر حد و مرزی ندارد و افراد با هر سن، جنسیت، جهت‌گیری جنسی و یا وضعیت اجتماعی اقتصادی می‌توانند کنترل شوند و یا نقش مهارگر و کنترل‌گر را ایفا کنند. کنترل‌گری برعکس تجاوز و توهین که توسط یک فرد غریبه در یک لحظه اتفاق می‌افتد، در طی یک دوره طولانی مدت، همچون روابط زناشویی، اتفاق می‌افتد و خود مختاری و سلامتی قربانی را در سیر زمان کاهش می‌دهد. دگرگونی‌های زندگی، همچون چالش‌های زندگی زناشویی، می‌تواند تنیدگی روان‌شناختی را به همراه آورند. هولمز و راهه^۶ معتقدند که مواجه شدن با تعداد زیادی از موقعیت‌های تنش‌زا، تنها در یک زمان کوتاه می‌تواند برای بهداشت روانی پیامدهای نامساعد داشته باشد و اگر میزان فشار روانی از توانایی سازگاری فرد فراتر رود، بهداشت روانی او به خطر می‌افتد که

4 Romito, P.

5 Bradley, R.

6 Holmes, T., & Rahe, R.

1 Glasser, W.

2 Woodberry, K. A., & Popenoe, E. J.

3 Lucas-Thompson, R. G.

می‌تواند بصورت بیماری‌های جسمی و اختلالات روانی بروز پیدا کند. این فرایند، در روابط زوجی که طولانی‌مدت‌تر هستند، می‌تواند موجب تشدید ناسازگاری زناشویی و ابراز خشونت خانگی شود.

پیرامون رابطه بین کنترل‌گری و تنیدگی روان‌شناختی، یافته مطالعه حاضر همسو با مطالعه لووستان و همکاران (۲۰۱۷) است که نشان دادند کنترل‌گری با پیامدهای منفی در سلامت روان بویژه بروز افسردگی همراه است. همچنین، بی‌شاپ و بتینسون (۲۰۱۸) نتیجه گرفتند از تأثیرات ناخوشایند کنترل‌گری، ترس و اضطراب می‌باشد که در راستای یافته مطالعه حاضر است. در مطالعه گو و همکاران (۲۰۱۹)، اقدام به کنترل‌گری از سوی زنان پیش‌بینی‌کننده افسردگی و عدم رضایت زناشویی در مردان بود. لینچ (۲۰۱۸ و ۲۰۱۵) در نظریه آسیب‌شناسی خود، مدلی را ارائه کرد که در آن کنترل‌گری را به عنوان عامل برخی از اختلالات روانی و خشونت معرفی کرد. این نظریه بر پایه دو مقوله مهم، تقسیم اختلالات موجود در راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی به اختلالات برونی‌سازی شده و درونی‌سازی شده و مفهوم کنترل‌گری بنا شده است. درواقع، کنترل‌گری اجبارگونه به صورت استفاده دائمی افراد از راهبردهایی برای کنترل همسر یا شریک زندگی و محدود کردن آزادی‌های وی تعریف می‌شود. در این شرایط، کنترل و اجبار همزمان رخ داده، موقعیتی از عدم آزادی و تجربه‌ای شبیه به در تله افتادن برای فرد ایجاد می‌کند و سلامت روان فرد را با تهدید مواجه می‌کند.

یافته‌های این مطالعه همچنین نشان داد تمایز یافتگی بر خشونت همسران از طریق میانجی‌گری تنیدگی روان‌شناختی تأثیر غیرمستقیم و منفی دارد. پیرامون رابطه بین تمایز یافتگی و خشونت همسران پژوهش جعفرزاده و همکاران (۱۳۹۹) و حاجی و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد با افزایش تمایز یافتگی، میزان خشونت همسران کاهش می‌یابد که یافته فرضیه حاضر را تقویت می‌کند. در همین راستا، رحمانی (۱۳۹۵) دریافت بین خودتمایز یافتگی و خشونت همسر رابطه مستقیم معنادار وجود

دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت ازجمله بانفوذترین دیدگاه‌ها مربوط به خانواده، نظریه تمایز یافتگی است که بر روابط اولیه در خانواده تأکید کرده و آن را بر روابط بعدی مؤثر می‌داند. افراد تمایز یافته دارای ویژگی‌هایی می‌باشند که می‌تواند به شکل مثبت موجب بهبود وضعیت زناشویی شود. همسرانی که دارای تمایز یافتگی بالا هستند در زمان تجربه عواطف منفی شدید، تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند و واکنش‌های کنترل شده‌ای دارند. این افراد از هویت محکمی برخوردار بوده، در موقعیت‌های تنش‌زا به خوبی رفتار می‌کنند، در روابط صمیمانه قادرند خود تعریف شده‌شان را حفظ کرده و با دیگران آمیخته نشوند و در نتیجه از بسیاری از تنش‌های بین همسران کاسته می‌شود. همچنین این افراد از افکار و هیجانات مشخصی برخوردار هستند و خود را براساس خواسته‌های دیگران تغییر نمی‌دهند. در این راستا، بوسر و همکاران (۲۰۱۹) عنوان کردند در نظام زناشویی وقتی تمایز یافتگی زوج‌ها بالا باشد احتمال سازگاری مناسب با تعارض‌ها بیشتر شده و واکنش‌های هیجانی کاهش می‌یابد (بوسر و همکاران، ۲۰۱۹) که می‌تواند مانعی برای خشونت همسران باشد. همچنین، افراد تمایز یافته تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند، می‌توانند جهت خویش را در زندگی انتخاب نمایند و در موقعیت‌های هیجانی شدید که در بسیاری از افراد منجر به بروز رفتارهای غیرارادی و اتخاذ تصمیم‌های نافرجام می‌شود، کنترل خود را از دست ندهند، از ابراز خشم فوران یافته و خشونت پرهیز کنند و با در نظر گرفتن عقل و منطق، تصمیم‌گیری و حل مسئله کنند.

پیرامون رابطه بین تمایز یافتگی و تنیدگی روان‌شناختی، گراسمن و همکاران (۲۰۱۶) و ویلیس و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند تمایز یافتگی، موجبات سلامت روانی و خانوادگی فرد را فراهم می‌کند که با یافته فرضیه حاضر همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان عنوان کرد سطح تمایز یافتگی هر فرد به بهترین صورت، در موقعیت‌های استرس‌زای خانواده همچون تعارضات زناشویی، قابل مشاهده است و درجه‌ای که فرد قادر

است علی‌رغم اضطراب شدید در خانواده، رفتارش را منطبق بر اصول صریح و اندیشمندانه کنترل کند، میزان تمایز یافتگی او را نشان می‌دهد که می‌تواند عاملی برای کاهش تنیدگی در روابط و در نتیجه تنیدگی روان‌شناختی باشد. در این راستا، پلگ و مسراشمیت-گراندی^۱ (۲۰۱۹) در مطالعه خود نشان دادند افراد تمایز نیافته که هویت تعریف شده ای برای خود ندارند، در تنش‌ها و مسائل بین‌فردی موجود، همراه با موج هیجانی خانواده حرکت می‌کنند و در نتیجه، اضطراب مزمن بالایی را تجربه کرده و مستعد بروز انواع بیماری‌ها هستند. تمایز یافتگی پایین حتی در سال‌های اولیه زندگی نیز منجر به وابستگی بین مادر و کودک شده و تبدیل به یک رابطه هم‌زیستی می‌شود به طوری که هیچ یک بدون دیگری قادر به ادامه زندگی نیستند و این می‌تواند دل‌بستگی ایمن در بزرگسالی را با مشکل مواجه سازد و عامل خطری برای کاهش سلامت روان باشد. درون خانواده، در گیرودار چالش بین نیروهای معطوف به با هم بودن و تمایز یافتگی، اضطراب پدیدار می‌شود. اگر با هم بودن غلبه کند، خانواده به سوی کارکرد عاطفی بیشتر رهنمون می‌شود و خودمختاری فردی کاهش می‌یابد. در نتیجه کاهش خودمختاری، اضطراب مزمن در فرد افزایش می‌یابد. بوئن، اضطراب مزمن را ریشه مهم تمام آسیب‌شناسی‌ها می‌داند و معتقد است با اینکه بیشتر افراد خود را با اضطراب حاد، در دوره زمانی کوتاه تطبیق می‌دهند، اضطراب مزمن در بلندمدت به بروز نشانگان بیماری می‌انجامد. افراد با تمایز یافتگی پایین، عقل و احساسشان چنان درهم آمیخته است که زندگی‌شان به وسیله احساسات اطرافیان اداره می‌شود؛ در نتیجه به آسانی در شرایط استرس‌زا، دچار اختلال می‌شوند و سطوح بالایی از اضطراب مزمن را در دوره‌های مختلف

منابع

زندگی خانوادگی تجربه می‌کنند و مستعدترین افراد برای مشکلات حاد روانی هستند. از این‌رو، براساس تبیین‌های صورت گرفته می‌توان گفت نقش متغیر میانجی تنیدگی روانشناختی در رابطه کنترل‌گری و تمایز یافتگی با خشونت همسران در زوجین مراجعه‌کننده در مراکز مشاوره تبریز مورد تایید واقع می‌شود. با این حال، این مطالعه محدودیت‌هایی را در زمینه تفسیرها و اسنادهای علت‌شناسی متغیرهای مورد بررسی، مطرح می‌کند که باید در نظر گرفته شده و مطالعات طولی انجام گیرد. پژوهش‌ها بیانگر اهمیت مسئله خشونت برای کارشناسان خانواده و پزشکان و درمانگران است؛ چراکه، زنان قربانی سوءرفتار همسر، بطور قابل ملاحظه‌ای از درجات بالاتر معیارهای آسیب روانی برخوردارند. از این رو توصیه می‌شود پیرامون مطالعه بر روی عوامل موثر بر خشونت زنان، شناخت پیامدهای آن و نیز راهکارهای پیشگیرانه، برنامه ریزی‌های راهبردی انجام گیرد.

تقدیر و تشکر

"این مقاله مستخرج از رساله دکتری تخصصی نویسنده اول در واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران می‌باشد. و دارای کد اخلاق به شناسه IR.IAU.TABRIZ.REC.1402.316 از کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز می‌باشد." در پایان از تمامی شرکت‌کنندگان در این پژوهش کمال تشکر و قدردانی را داریم.

تعارض در منافع

نویسندگان اظهار می‌دارند هیچ گونه تعارض منافی در مورد این مقاله وجود ندارد.

امیری شمیلی، مریم (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین هوش هیجانی معلمان زن با خشونت اعمال شده علیه آنان در شهرستان بندرعباس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پردیس دانشگاهی قشم. گروه مشاوره و راهنمایی. پوررجب راوری، علی و کامیابی، میترا (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین رفتارهای کنترل‌گرایانه با بی‌ثباتی ازدواج در معلمان زن هنرستان‌های شهر کرمان، سومین کنفرانس پژوهش در علوم تربیتی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران.

- پوررجب راوری، علی و کامیابی، میترا (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین رفتارهای کنترل گرایانه با بی ثباتی ازدواج در معلمان زن هنرستان های شهر کرمان، سومین کنفرانس پژوهش در علوم تربیتی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران.
- جعفرزاده، نکتتم؛ سلیمانیان، علی اکبر و محمدی پور، محمد (۱۳۹۹). پیش بینی خشونت خانگی بر اساس عملکرد خانواده و سطح تمایز یافتگی خود با نقش واسطه ای ناگویی هیجانی در زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهر بجنورد. پژوهشنامه تربیتی، ۱۶(۶۵)، ۱۸۶-۱۶۷.
- حاجی، بینا؛ رحیم زاده، شادی؛ محمدی، محمد و حاجی، میدیا (۱۳۹۷). بررسی اثر تمایز یافتگی و سبک های دلبستگی بر خشونت نسبت به زنان، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی ایران، تهران.
- رافضی، زهره و صبوری، ریحانه (۱۴۰۱). نقش مولفه های تمایز یافتگی خود در پیش بینی صمیمیت زناشویی در زوجین. فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۱۳(۵۱)، ۲۰۶-۱۸۲.
- رحمانی، شهاب (۱۳۹۵). آزمون مدل رابطه ی خود تمایز یافتگی و نشانگان شخصیت مرزی با خشونت همسر با میانجی گری رضایت زناشویی. دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه شهید چمران اهواز - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- سیدخراسانی صدقیانی، نازیلا (۱۳۷۷). رابطه عوامل تنش زا، میزان سخت رویی و واکنش های زیستی، شناختی و روانی دانش آموزان دبیرستان های شهرستان تبریز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران.
- شریعت، ارغوان؛ غضنفری، احمد؛ یارمحمدیان، احمد؛ صولتی، کمال و چرامی، مریم (۱۴۰۰). مقایسه اثربخشی معنادرمانی و روان درمانی مثبت بر تمایز یافتگی و ویژگی های روان شناختی مثبت در دبیران بازنشته آموزش و پرورش شهر اصفهان. مجله سلامت و سالمندی خزر، ۱(۱)، ۸۶-۷۴.
- ضیایی، مریم (۱۳۹۴). تبیین ویژگی های روانسنجی مقیاس رفتارهای کنترل گرایانه زن و شوهر. پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته مشاور خانواده و ازدواج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- کیادربندسری، زهره؛ میرزاحسینی، حسن و ضرغام حاجی، مجید (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش غنی سازی روابط زوجین با رویکرد متمرکز بر هیجان بر رفتارهای کنترل گرایانه در زنان و مردان مواجه شده با خیانت همسر. خانواده درمانی کاربردی، ۳(۲)، ۲۴۵-۲۳۰.
- مبلیان، عاطفه؛ دیاریان، محمدمسعود و وسفی، زهرا (۱۴۰۰). پیش بینی کیفیت رابطه زناشویی بر اساس ویژگی های شخصیتی، نیازهای گلاسر و پذیرش خویشتن. فصلنامه روان شناسی کاربردی، ۱۵(۴)، ۲۳۲-۲۰۷.
- مرتضایی، نسترن و رضازاده، سیدمحمدرضا (۱۳۹۹). نقش میانجی تعهد زناشویی در رابطه بین ادراک انصاف و رضایت مندی زناشویی. پژوهش های کاربردی روانشناختی، ۱۱(۴)، ۲۹۲-۲۸۱.

- Baron, R. M., & Kenny, D. A. (1986). The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical considerations. *Journal of personality and social psychology*, 51(6), 1173-1182.
- Baucom, D. H., Fischer, M. S., Corrie, S., Worrell, M., & Boeding, S. E. (2019). *Treating relationship distress and psychopathology in couples: A cognitive-behavioural approach*. Routledge.
- Bhurtun, H. (2020). *Stress and coping strategies among Finnish nursing students in the clinical learning environment* (Doctoral dissertation, Itä-Suomen yliopisto).
- Bishop, C., & Bettinson, V. (2018). Evidencing domestic violence, including behaviour that falls under the new offence of 'controlling or coercive behaviour'. *The International Journal of Evidence & Proof*, 22(1), 3-29.
- Bradley, R., Schwartz, A. C., & Kaslow, N. J. (2005). Posttraumatic stress disorder symptoms among low-income, African American women with a history of intimate partner violence and suicidal behaviors: Self-esteem, social

- support, and religious coping. *Journal of Traumatic Stress: Official Publication of The International Society for Traumatic Stress Studies*, 18(6), 685-696.
- Bravo, C. S., & Silva, R. M. H. (2018). La satisfacción marital y el manejo del poder en la pareja: prevención para la salud. *Revista argentina de clínica psicológica*, 27(1), 72-82.
- Breiding, M., Basile, K. C., Smith, S. G., Black, M. C., & Mahendra, R. R. (2015). Intimate partner violence surveillance: Uniform definitions and recommended data elements. Version 2.0.
- Buser, T. J., Pertuit, T. L., & Muller, D. L. (2019). Nonsuicidal self-injury, stress, and self-differentiation. *Adultspan Journal*, 18(1), 4-16.
- Dolz-del-Castellar, B., & Oliver, J. (2021). Relationship between family functioning, differentiation of self and anxiety in Spanish young adults. *PloS one*, 16(3), e0246875.
- Drake, J. R. (2011). *Differentiation of self inventory-short form: creation and initial evidence of construct validity* (Doctoral dissertation, University of Missouri--Kansas City).
- Ekta, S., & Rakesh Kumar, B. (2016). Domestic violent. *The International Journal of Indian Psychology Volume*, 4.
- Gou, L. H., Duerksen, K. N., & Woodin, E. M. (2019). Coercive control during the transition to parenthood: An overlooked factor in intimate partner violence and family wellbeing?. *Aggressive Behavior*, 45(2), 139-150.
- Graham-Kevan, N., & Archer, J. (2005). Investigating three explanations of women's relationship aggression. *Psychology of Women Quarterly*, 29, 270-277.
- Grossmann, I., Huynh, A. C., & Ellsworth, P. C. (2016). Emotional complexity: Clarifying definitions and cultural correlates. *Journal of personality and social psychology*, 111(6), 895.
- Haj-Yahia, M. M. (1999). Wife abuse and its psychological consequences as revealed by the first Palestinian National Survey on Violence Against Women. *Journal of Family Psychology*, 13(4), 642.
- Hamberger, L. K., Larsen, S. E., & Lehrner, A. (2017). Coercive control in intimate partner violence. *Aggression and Violent Behavior*, 37, 1-11.
- Hammett, J. F., Lavner, J. A., Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2021). Intimate partner aggression and marital satisfaction: a cross-lagged panel analysis. *Journal of interpersonal violence*, 36(3-4), NP1463-1481NP.
- Hardesty, J. L., Crossman, K. A., Haselschwerdt, M. L., Raffaelli, M., Ogolsky, B. G., & Johnson, M. P. (2015). Toward a standard approach to operationalizing coercive control and classifying violence types. *Journal of marriage and family*, 77(4), 833-843.
- İşık, E., Özbiler, Ş., Schweer-Collins, M. L., & Rodríguez-González, M. (2020). Differentiation of self predicts life satisfaction through marital adjustment. *The American Journal of Family Therapy*, 48(3), 235-249.
- Jud, A., Grafe, B., Meshkova, K., Kavemann, B., Meysen, T., Hoffmann, U., ... & Fegert, J. (2023). Prevalence and predictors of affirmations of intimate partner violence in Germany: a first nationwide study on victimization in women and men. *Journal of interpersonal violence*, 38(1-2), 1473-1493.
- Lähdepuro, A., Savolainen, K., Lahti-Pulkkinen, M., Eriksson, J. G., Lahti, J., Tuovinen, S., ... & Räikkönen, K. (2019). The impact of early life stress on anxiety symptoms in late adulthood. *Scientific reports*, 9(1), 4395.
- Lampis, J., Cataudella, S., Busonera, A., & Skowron, E. A. (2017). The role of differentiation of self and dyadic adjustment in predicting codependency. *Contemporary Family Therapy*, 39, 62-72.
- Lavner, J. A., & Bradbury, T. N. (2017). Protecting relationships from stress. *Current Opinion in Psychology*, 13, 11-14.
- Lövestad, S., Löve, J., Vaez, M., & Krantz, G. (2017). Prevalence of intimate partner violence and its association with symptoms of depression; a cross-sectional study based on a female population sample in Sweden. *BMC public health*, 17(1), 1-11.
- Lucas-Thompson, R. G., Lunkenheimer, E. S., & Dumitrache, A. (2017). Associations between marital conflict and adolescent conflict appraisals, stress physiology, and mental health. *Journal of clinical child & adolescent psychology*, 46(3), 379-393.
- Lynch, T. R. (2018). *Radically open dialectical behavior therapy: Theory and practice for treating disorders of overcontrol*. New Harbinger Publications.
- Lynch, T. R., Hempel, R. J., & Clark, L. A. (2015). Flexibility and radical openness: Facilitating self-inquiry in overcontrolled personality disorders. *Integrated treatment of personality disorder*, 1-13.
- Nurhayati, S. R., Faturachman, F., & Helmi, A. F. (2019). Marital quality: A conceptual review. *Buletin Psikologi*, 27(2), 109-124.
- Peleg, O., & Messerschmidt-Grandi, C. (2019). Differentiation of self and trait anxiety: A cross-cultural perspective. *International Journal of Psychology*, 54(6), 816-827.
- Randall, A. K., & Bodenmann, G. (2017). Stress and its associations with relationship satisfaction. *Current opinion in psychology*, 13, 96-106.
- Repetti, R., & Wang, S. W. (2017). Effects of job stress on family relationships. *Current opinion in psychology*, 13, 15-18.
- Romito, P., Beltramini, L., & Escribà-Agüir, V. (2013). Intimate partner violence and mental health among Italian adolescents: Gender similarities and differences. *Violence Against Women*, 19(1), 89-106.

- Saffari, M., Arslan, S. A., Yekaninejad, M. S., Pakpour, A. H., Zaben, F. A., & Koenig, H. G. (2017). Factors associated with domestic violence against women in Iran: An exploratory multicenter community-based study. *Journal of interpersonal violence*, 0886260517713224.
- Sahin, S., Ozdemir, K., & Unsal, A. (2014). Evaluation of premenstrual syndrome and quality of life in university students. *J Pak Med Assoc*, 64(8), 915-922.
- Scott, H. S. (2018). Extending the Duluth model to workplace bullying: A modification and adaptation of the workplace power-control wheel. *Workplace health & safety*, 66(9), 444-452.
- Skowron, E. A., & Friedlander, M. L. (1998). The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *Journal of counseling psychology*, 45(3), 235.
- Skowron, E. A., & Friedlander, M. L. (1998). The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *Journal of counseling psychology*, 45(3), 235.
- Sleath, E., Walker, K., & Tramontano, C. (2018). Factor structure and validation of the controlling behaviors scale—revised and revised conflict tactics scale. *Journal of Family Issues*, 39(7), 1880-1903.
- Stark, E., & Hester, M. (2019). Coercive control: Update and review. *Violence against women*, 25(1), 81-104.
- Willis, K., Miller, R. B., Yorgason, J., & Dyer, J. (2021). Was bowen correct? The relationship between differentiation and triangulation. *Contemporary Family Therapy*, 43, 1-11.
- Woodberry, K. A., & Popenoe, E. J. (2008). Implementing dialectical behavior therapy with adolescents and their families in a community outpatient clinic. *Cognitive and behavioral practice*, 15(3), 277-286.
- World Health Organization. (2019). *Violence against women: intimate partner and sexual violence against women: evidence brief* (No. WHO/RHR/19.16). World Health Organization.
- Yuan, Q., Fan, Z., & Leng, J. (2022). The effect of emotional reactivity on marital quality in Chinese Couples: the mediating role of perceived partner responsiveness. *Frontiers in Psychology*, 12, 787899.

Original Article

Modeling the relationship between control and differentiation with spousal violence through the mediation of psychological stress in couples referring to counseling centers in Tabriz

Received: 13/02/2025 - Accepted: 22/04/2025

Fahimeh Torabi Soufiani¹

Masoumeh Azmoodeh^{2*}

Reza Abdi³

Amir Panahali⁴

Javad Mesrabadi⁵

¹PhD student of General Psychology, Department of Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

^{2*} Assistant Professor, Department of Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. (Corresponding author)

³Associate professor, Department of Psychology, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran.

⁴Assistant Professor, Department of Psychology and Counseling, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

⁵professor, Department of education psychology, Azarbaijan shahid madani university, Tabriz, Iran.

Corresponding author : Masoumeh Azmoodeh, Assistant Professor, Department of Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Email: Mas_azemod@yahoo.com

Abstract

Introduction: The present study aimed to determine the fit of the model of the relationship between control and differentiation with spousal violence mediated by psychological stress in couples referring to counseling centers in Tabriz.

Method: The research method was descriptive-correlational. The statistical population of this study included all spouses referring to the social emergency in Tabriz in the first half of 1402 AH, 305 people. Using simple and purposive random sampling method and based on inclusion and exclusion criteria, 240 people were selected (n = 240). The data collection tools were the Haj Yahya Violence Against Women Questionnaire (1999), the Revised Graham-Cown and Archer Controlling Behavior Scale (2005), the Skorn and Friedlander Self-Differentiation Inventory (1998), and the Seyyed Khorasani Psychological Stress Questionnaire (1377).

Results: Data analysis using Pearson's correlation coefficient showed that controlling has a direct effect on spousal violence and the calculated relationship is statistically positive and significant ($p < 0.05$, $\beta = 0.374$); differentiation has a direct effect on spousal violence and the calculated relationship is statistically negative and significant ($p < 0.05$, $\beta = -0.421$). Structural equation modeling findings showed that controlling has an indirect and positive effect on spousal violence through the mediation of psychological stress ($p < 0.05$, $\beta = 0.496$) and differentiation has an indirect and negative effect on spousal violence through the mediation of psychological stress ($p < 0.05$, $\beta = -0.611$). Therefore, the model of the relationship between control and differentiation and spousal violence mediated by psychological stress in couples referred to Tabriz counseling centers is consistent with empirical data.

Conclusion: The results can be helpful for clinicians in increasing compassion and empathic understanding and reducing spousal violence, and by considering the role of predictive factors in these patients, they can plan effective treatments.

Key words: Control, differentiation, spousal violence, psychological stress

Acknowledgement: There is no conflict of interest